

مهد تمدن ها در قرآن کریم

طیبه حیدری^۱

چکیده

تمدن و تمدن آفرینی در زندگی اجتماعی بشر از موضوعاتی است که همواره مورد توجه مورخان و اندیشمندان بوده و هست. با توجه به اینکه دنیای معاصر نیازمند شناخت و بهره‌مندی از آموزه‌های ناب و حقیقی جهان اسلام است، این مقاله با استفاده از آیات قرآن کریم، منابع تفسیری و تاریخی و منابعی که به مسائل اجتماعی پرداخته‌اند، تمدن آفرینی را تبیین و بررسی می‌کند. در پژوهش حاضر پس از بررسی مفهومی واژه‌های تمدن، فرهنگ و دین، دین الهی به عنوان عامل تعیین‌کننده در ایجاد تمدن، فرهنگ و سبک زندگی معنوی و مادی جامعه بشری شناخته شده که از توانایی لازم در ایجاد تمدن پایدار، شکوفا و سعادت‌مندانه برخوردار است. هدف از این تحقیق بیان این مسئله است که دین و انبیاء الهی با ظهور در میان جوامع، پیام‌ها و قوانین سیاسی، اجتماعی، تربیتی و اخلاقی ناب برای تمدن آفرینی و اداره جوامع انسانی آورده‌اند؛ در نتیجه پیامبران الهی در ابعاد گوناگون معرفتی، اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به عنوان انسان‌های برجسته الهی در میان بشریت نقش مؤثری در تصحیح عقاید، افکار، اندیشه و تمدن جامعه انسانی داشته‌اند و تعالیم آنان نیروی لازم را برای ایجاد توسعه و تحول در تمامی بخش‌های اجتماعی دارد.

در تمدن‌هایی که محل ظهور انبیاء الهی بوده پیامبران همواره نقش اول را در تکوین ساختار تمدن‌ها به ویژه در تعلیم و تربیت و چگونه زیستن انسان‌ها و مدیریت اجتماعی و معارضه با حکام جور را بر عهده داشته‌اند و رهنمودهای آنها هدایتگر جامعه بشری در سخت‌ترین شرایط بوده است. در این مقاله سعی شده است مهد تمدن‌هایی که محل ظهور انبیاء الهی بوده و برخی عوامل فروپاشی آنها بررسی شود.

واژگان کلیدی: تمدن، فرهنگ، دین، پیامبران، قرآن.

۱. مقدمه

قرآن کتاب هدایت‌گرانسان است و در همه عرصه‌های خود دارای اعجاز است که بر مبنای تعالیم حیات بخش آن می‌توان زندگی و تمدن جامعه انسانی را پایه‌ریزی کرده و سعادت ابدی را برای او به ارمغان آورد. اندیشمندان و مفسران مسلمان تا حدودی به معارف اجتماعی قرآن توجه کرده‌اند و با شیوه‌های مختلف و دامنه‌داری پیرامون دیدگاه قرآن درباره اجتماع، سیاست، اقتصاد و فرهنگ سخن گفته‌اند. یکی از حوزه‌های اجتماعی، حوزه تمدن آفرینی مکاتب انبیا

الهی در جامعه است که بر مبنای آن مباحثی پیرامون تمدن‌هایی که در قرآن ذکر شده و علل فروپاشی آنها مطرح می‌شود. از آنجایی که پیامبران مبلغان و مفسران وحی الهی بودند تعالیم حاصل از آموزه‌های وحیانی نیز عامل اساسی در دگرگونی فرهنگ‌ها و ساختارهای اجتماعی بوده است. در این راستا، هدف از این تحقیق آشکار کردن ابعاد تأثیر آموزه‌های وحیانی انبیا بر زندگی انسان هاست.

تمدن در لغت فارسی به معنای شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن، همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آسایش خود آمده است. در لغت عرب تمدن از واژه مَدَن و جمع آن مُدُن و مدائن است. در قرآن کریم لفظ مدینه به معنای مطلق شهر اطلاق شده و به معنی محل اقامت است و جمع آن در قرآن کریم فقط مدائن است. واژه لاتین Civilization به معنای استقرار یافتن است که به همان معنای شهرنشینی و متمدن کردن می‌آید.

ابن خلدون تونسلی، قدیمی‌ترین متفکر مسلمان، تمدن را حالت اجتماعی انسان می‌داند. اکبر هاشمی رفسنجانی نیز در کتاب فرهنگ قرآن می‌نویسد: «تمدن در اصطلاح نوع خاصی از توسعه مادی و معنوی است که در جوامع ویژه رخ می‌نماید». (ولایتی، ۱۳۸۷، ۲۱/۱) ویل نیز دورانت معتقد است: «تمدن مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی جامعه انسانی است». (ویل دورانت، ۱۳۹۰، ۵/۱) در میان تعاریف مختلفی که اندیشمندان از تمدن ارائه کرده‌اند، تکیه بر امور معنوی و اخلاق نقطه مشترک بیشتر تعاریف است.

واژه فرهنگ در زبان فارسی یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن (دهخدا، ۱۳۴۳، ۲۲۸/۳۰-۲۲۷) و نیز به ادب، عقل و خرد، آموزش و پرورش، تعلیم و تربیت، علم و دانش، بزرگی، سنجیدگی، حکمت، کتاب، لغت، هنر، صنعت، ارزش‌ها و راه و رسوم زندگی یک جامعه و آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت (عمید، ۱۳۸۵، ۷۶۲/۲) اشاره دارد.

برخی اندیشمندان در تعریف فرهنگ گفته‌اند: «فرهنگ ویژگی زندگی انسان یا جنبه‌های جداکننده انسان از حیوان است». (کاشفی، ۱۳۸۷، ص ۲۴) یکی از عناصر اساسی در به وجود آمدن تمدن‌ها دین است که تمامی عناصر دیگر به نوعی تحت شعاع دین قرار دارد. دین در لغت به معنی کیش، مذهب، ایمان و شریعت، توحید، عبادت، عادت، تدبیر، ملک، پاداش، غلبه، استعداد، سیرت، راه و روش، پرهیزگاری، جزاء، انقیاد، رأی و... (دهخدا، ۱۳۴۳، ۵۷۴/۲۴-۵۷۲) و نیز به معنای جزاء طاعت، ورع، خواری و اعتقاد و امت آمده است (قرشی، ۱۳۷۱، ۳۸۱/۲-۳۸۰). از نگاه اندیشمندان، دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد، جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد (جوادی آملی،

۲. نقش دین در ایجاد تمدن

دانشمندان معتقدند دین نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در پیدایش تمدن دارد و هیچ پدیده‌ای مانند دین بر ملت‌ها تأثیرگذار نبوده است. (حجازی، ۱۳۵۲، ص ۵۷) سید جمال‌الدین حسینی اندیشمند مصلح جهان اسلام در مورد نقش دین در تمدن معتقد است: «دین سلسله انتظام هیأت اجتماعی است و بدون دین هرگز مدنیت محکم نخواهد شد» (اسدآبادی، ۱۳۸۹، ص ۹۲). آیت‌الله جوادی آملی نیز معتقد است:

دین، انسان را از توحش حیوانی خارج کرده و او را وارد وادی حریم انسانی می‌کند. چنین انسانی با رعایت و عمل به قوانین الهی به مرتبه عقلانی گام می‌نهد و زمام رفتار، رفتار و کردار او را عقل عهده‌دار می‌شود. در چنین حالتی نظم و امنیت الهی را حاکم می‌کند و به دنبال آن عناصر و عوامل تمدن در چهارچوب برنامه الهی در جامعه شکل می‌گیرد. (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۴۹)

۳. مهد تمدن‌ها از نگاه قرآن

در بررسی‌های انجام شده از نخستین اسناد به دست آمده از دوره پیش از تاریخ در زمینه اولین تمدن‌های بشری مانند تاریخ سومری‌ها و بابلی‌ها، انبیاء الهی همواره نقش اول را در تکوین ساختار تمدن‌ها به ویژه در تعلیم و تربیت انسان، چگونگی زیستن، مدیریت اجتماعی و معارضه با حکام جور را بر عهده داشته و رهنمودهای انبیاء الهی در طول تاریخ پا به پای عقل و اندیشه همواره هدایتگر بشر در سخت‌ترین شرایط بوده است. این بخش از پژوهش به بررسی محل ظهور تمدن‌ها می‌پردازد. منظور از تمدن‌ها در این قسمت تمدن‌هایی است که محل ظهور پیامبران الهی بوده و در قرآن کریم به نوعی از آنها سخن به میان آمده است. مورخان بزرگ جهان تصریح می‌کنند که مشرق زمین گاهواره تمدن انسان است و منطقه‌ای به نام هلال خصیب (که از دره نیل شروع شده و تا مسیر دجله و فرات و اروندرود ادامه پیدا می‌کند) زادگاه تمدن‌های بزرگ جهان است. این مسئله از آثار باستانی به دست آمده در این مناطق پیداست. گفته شده قدمت تمدن انسانی در این مناطق به هفت هزار سال یا بیشتر می‌رسد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۶۸/۷).

۱-۳. بین‌النهرین

بین‌النهرین که امروزه به آن عراق گفته می‌شود، یکی از قدیمی‌ترین مراکز شکل‌گیری تمدن

باستان بوده است. منشأ این تمدن رودخانه دجله و فرات بوده که در این سرزمین جریان دارد. اقوامی چون سومری ها، بابلی ها و آشوری ها در این سرزمین تمدن های درخشانی به وجود آوردند. سومری ها در حدود ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد از مکانی در مشرق زمین به بین النهرین سفلی آمده و در فاصله سال های ۳۵۰۰-۴۵۰۰ سال قبل از میلاد نخستین تمدن شهری گسترده دنیا را ایجاد کردند. (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۲) از حوادث مهمی که در این منطقه رخ داده و به ظهور تمدن های مهم انجامید می توان به بعثت پیامبران الهی مانند ادريس (طباره، ۱۳۸۸، ص ۹۳) و یونس نبی علیه السلام در بابل پایتخت دولت آشور و در موصل عراق (طباره، ۱۳۸۸، ص ۸۵-۸۵)، زاده شدن حضرت ابراهیم علیه السلام در شهر اور (طباره، ۱۳۸۸، ص ۵۳)، طوفان نوح که داستان آن در الواح سومری و بابلی ذکر شده و محل فرود کشتی آن حضرت را که کوه های آزارات در منطقه ارمنستان دانسته اند (طباره، ۱۳۸۸، ص ۴۳-۲۹)، اشاره کرد.

در مورد حضرت ادريس علیه السلام علما در قصص اسلامی متفقند که به ادريس وحی می شده و صاحب صحفی بوده است. گویند به خاطر درس (مطالعه) کتاب های آسمانی ادريس نامیده شده است (برجی، ۱۳۸۷، ص ۳۱). او نخستین کسی بوده که خیاطی کرده و طرز دوختن لباس را به انسان ها آموخت و از آن پس مردم به تدریج از لباس های دوخته شده استفاده کردند. تا قبل از ایشان مردم برای پوشش خود از پوست حیوانات برای لباس استفاده می کرده اند. حضرت ادريس نخستین کسی بوده که با قلم خط می نوشت و علاوه بر مقام نبوت بر علمی مانند نجوم و حساب و هیأت احاطه داشت (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۹۹/۱۴) و آنها را تدریس می کرده و کتب آسمانی و سخنان حکیمانه را به انسان ها می آموخت (محمدی اشتهااردی، ۱۳۸۷، ص ۳۷؛ قرشی، ۱۳۷۱، ۳۴۰/۲).

درباره حضرت نوح علیه السلام آمده است که او نخستین پیامبر اولوالعزم است که دارای شریعت و کتاب مستقل بود و به کار نجاری اشتغال داشت. (رک: هود: ۲۷، ۷۱ و ۱۰۷؛ اسراء: ۳) این امر نشان دهنده آن است که مردم آن عصر از ابزار و دانش ساخت قایق و کشتی های کوچک برخوردار بوده و آنها را اختراع کرده بودند و با فن و صنعت این کار آشنایی داشتند. در تواریخ و تفاسیر آمده که حضرت نوح علیه السلام کشتی را قیراندود کرد تا مانع نفوذ آب در آن شود و مسلم است که خداوند چگونگی ساخت کشتی با آن عظمت را که دارای سه یا هفت طبقه بوده و استحکام لازم را داشته به او وحی کرده است (محمدی اشتهااردی، ۱۳۸۷، ص ۴۷).

تمدن نوح از قدیمی ترین تمدن هایی است که در قرآن ذکر شده است. در جامعه زمان نوح علیه السلام انواع بیماری های اخلاقی و فاصله طبقاتی رواج داشت. با مبعوث شدن حضرت نوح علیه السلام ارتباط

انسان از طریق وحی با مبدأ غیب، اشاره به اصول دین و شریعت، ایمان به مبدأ و معاد و روز جزا برای بشر بیان شد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۹/۸۴)

در مورد حضرت ابراهیم علیه السلام نیز بیشتر علما، مورخین و باستان شناسان زادگاه آن حضرت را شهر اور کلدانیان دانسته اند. سرزمین اور در بابل و در جنوب عراق بوده است. تحقیقات نشان می دهند که اور شهری با عظمت، ثروتمند و پایتخت ملتی بزرگ بوده است، بنابراین، او تبعه یک ملت متمدن بوده است. حضرت ابراهیم را پایه گذار علم و تمدن عصر خود دانسته اند. او با دعوت به سوی توحید و یگانه پرستی جهش فکری عظیمی را در میان مردم خود پدید آورد و توجه آنان را از پرستش مظاهر طبیعت مانند ستاره، ماه و خورشید به سوی خالق آنها سوق داد. (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱)

ویل دورانت مورخ مشهور معتقد است که بسیاری از علوم و صنایع توسط حضرت ابراهیم علیه السلام به بشر آموخته شده و ریشه بسیاری از علوم و صنایع مصر و سایر کشورها را باید در دین و مذهب ابراهیم علیه السلام جستجو کرد. (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱) حضرت ابراهیم علیه السلام با ساختن خانه خداوند توانست از یک سو پایه گذار بیت و معبدی برای پرستش خدای یگانه و از سوی دیگر ایجادکننده کانون وحدت و همبستگی باشد. او با ساختن کعبه پایه گذار فرهنگ و تمدنی شد که زمینه ساز توسعه اقتصادی و بازرگانی شهر مکه شد (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۵). حرام بودن جنگ در ماه های حرام و احترام فوق العاده به مسجد الحرام شهر مکه را به محیطی امن تبدیل کرد که توانست بعدها تمدن عظیم و پویای اسلامی را پایه گذاری کند.

۲-۳. مصر

یکی از مهم ترین سرزمین های زایش تمدن، سرزمین مصر است. مصریان سابقه فرهنگ خود را عصر نوسنگی در ۵۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح می دانند. (لوکاس، ۱۳۸۷، ۲/۵۹) فرهنگ مصر در مباحث هنری و علوم عقلی مشهور است. در سرزمین مصر از ابتدا اعتقاداتی چون اعتقاد به الوهیت یا شبه الوهیت فرعونیان وجود داشته است. تعدادی از فراعنه معاصر برخی پیامبران الهی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت یوسف علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام بوده اند. برای مثال حضرت ابراهیم علیه السلام مقارن با حکمرانی یکی از فرعونیان مصر به نام «هیکسوس» به سرزمین مصر عزیمت کرد و به مدت ۲۰ سال به ترویج دین الهی و هدایت مردم آن سرزمین پرداخت و در این مدت علمی را که از کلدان، بابل و زادگاهش آموخته بود به مصریان تعلیم داد (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰). وی با آموزش به مردم مصر در شکوفایی هر چه بیشتر تمدن مصر تلاش کرد (بی

آزار شیرای، ۱۳۸۶، ص ۲۱۰؛ ویل دورانت، ۱۳۹۰، ۱/۲۱۵).

حضرت یوسف علیه السلام نیز هنگام سلطنت یکی از فراعنه سلسله شانزدهم فرعونیان به نام «اپوفس» به مقام وزارت اقتصاد مصر رسید و این امر به مهاجرت بنی اسرائیل به سرزمین مصر انجامید؛ همچنین حضرت موسی علیه السلام در زمان فرعون به نام «رامسس دوم» به دنیا آمد و بنابر مشیت الهی در کاخ او رشد و نمو پیدا کرد. بعد از وقایعی که برای حضرت یوسف اتفاق افتاد و منجر به زندانی شدن او شد آن حضرت با تعبیر خواب پادشاه از زندان آزاد شده و به خزانه داری مصر منصوب شد تا بتواند طبق تعبیر خواب پادشاه، مملکت مصر را از قحطی طولانی رهایی بخشد (ر.ک: یوسف: ۵۵) و این آغاز زمامداری و حکومت حکیمانه و الهی حضرت یوسف بر سرزمین مصر بود (ر.ک: یوسف: ۵۶). او توانست با تدابیر حکیمانه خود سال های قحطی مصریان را به خوبی مدیریت کند به گونه ای که نه تنها مردم مصر بلکه مردم سایر نقاط همجوار با مصر را نیز از گرسنگی و قحطی نجات داد. از جمله کنعانیان و خاندان یعقوب علیه السلام که موجبات سکونت آنان در مصر را فراهم کرد (ر.ک: یوسف: ۱۰۰).

شخصیت الهی و تدابیر حکیمانه حضرت یوسف علیه السلام در امور خزانه داری و نفوذ او در قلب فرعون مصر باعث شد که ایمان به خداوند یگانه در تمامی سرزمین مصر فراگیر شود و بدین وسیله تمدن الهی ایجاد شد که این تمدن با گذشت زمان و مبارزات حضرت موسی و هارون علیه السلام و به دلیل آمادگی فکری مردم در عصر حضرت داود و سلیمان علیه السلام به اوج شکوفایی خود رسید. یوسف علیه السلام فرهنگ کشورداری را بر اساس توحید و عدالت به مصریان آموخت. به تدبیر و سیاست مدن و اصلاح محیط پرداخت و طرح پانزده ساله اقتصادی به فرعون ارائه داد که باعث نجات سرزمین مصر شد. (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۱)

وجه برجسته آن حضرت علاوه بر توحیدگرایی، مدیریت بحران قحطی بود. به این صورت که چندین سال فقط گندم کاشته و بر کشت کشاورزان نظارت داشت و سرانجام با طراحی و ساخت انبارهای غلات یعنی «سیلوها» که مانع فساد غلات و گندم می شد و نیز جیره بندی محصولات، دوران قحطی را پشت سر گذاشت. وی اخلاق توحیدی را بر حاکمیت تسلط بخشید تا حاکمیت نیز توحیدی شود. در واقع به وسیله حضرت یوسف علیه السلام چند نهاد اجتماعی تقویت شد مانند نهاد دین بر مدار توحید، نهاد اخلاق الهی، نهاد سیاست، نهاد اقتصاد و مدیریت برنامه ای.

۳-۳. فلسطین

فلسطین مهد فرهنگ و تمدن پیامبران الهی بوده است. حضرت ابراهیم علیه السلام در مسیر مهاجرت

خود وارد این سرزمین شد و مدتی در آنجا اقامت کرده به تبلیغ فرامین الهی پرداخت. حضرت ابراهیم در طول مدت اقامت خود در فلسطین، مقبره خانوادگی خود را در شهر الخلیل (حبرون) ایجاد کرد. پیامبرانی مانند حضرت داود علیه السلام، حضرت سلیمان علیه السلام، حضرت زکریا علیه السلام و حضرت یحیی علیه السلام در این شهر زندگی می‌کردند و هر کدام به سهم خود باعث پیشرفت تمدن این سرزمین شدند. فلسطین زادگاه حضرت عیسی مسیح علیه السلام نیز است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷-۱۰۵)

حضرت داود علیه السلام قواعد پرستش را منظم کرد. حکومتی عادلانه و آمیخته با حکمت ایجاد کرد و نهاد حقوق و قضاوت به وسیله او تقویت شد. آهن به اذن الهی در دست وی نرم شد که می‌توانست آن را بدون گرم کردن در آتش به هر شکلی که می‌خواهد درآورد (صنعت ذوب آهن). خداوند کوه‌ها را (برای صنایع معماری و فلزات) به تسخیر وی درآورد و با وحی خود او را صنعت ذوب فلزات و زره‌بافی با آهن آموخت. با حکمت و نفوذ کلام خود علم دآوری و قضاوتی که داشت (ر.ک: ص: ۲۰) به دفع فساد پرداخت. او در اواخر عمر خود مأمور ساختن خانه خدا (بیت المقدس) در سرزمین فلسطین شد. داود علیه السلام پیامبری بود که از طریق ساختن و فروش زره امرار معاش می‌کرد و بدین وسیله از دسترنج خود استفاده می‌کرد (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۶؛ خیری، ۱۳۹۱، ص ۳۹).

حضرت سلیمان علیه السلام نیز امور بازرگانی را گسترش داد و به عمران و آبادانی روستاها توجه خاصی داشت. او برای توسعه اقتصادی قلمرو حکومتی خود به احداث کاربها و استخرهایی پرداخت (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۳۶۳/۶، ۳۶۱، ۳۲۰، ۲۸۴ و ۴۱۸/۱۵ و ۲۲۵ و ۸۵/۱۶؛ رسولی محلاتی، ۱۳۸۷، ص ۵۲۸-۵۲۶؛ و حجازی، ۱۳۵۲، ص ۱۰۰). او بعد از پدرش به ساختن معبد اورشلیم که مصالح ساخت آن را حضرت داود فراهم کرده بود ادامه داد. این معبد بعد از ساخت، نیکوترین بنای دنیا و فخر اورشلیم شد. در زمان او ساختمان‌های دیگری نیز بنا شد که آثار بعضی از آنها هنوز در منطقه بلبلک لبنان کنونی موجود است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶).

از دیگر نشانه‌های عظمت سرزمین سلیمان علیه السلام آن بود که وقتی بلقیس وارد قصر سلیمان علیه السلام شد سطح حیاط آن را از شیشه شفاف ساخته بود و آب از زیر آن جاری بود. این معماری چنان طبیعی به نظر می‌رسید که بلقیس به تصور وجود نهر آب لباس خود را بالا زد تا خیس نشود. (مراغی، بی تا، ۱۹/۱۴۴؛ رسولی محلاتی، ۱۳۸۷، ص ۵۴۵؛ محمدی اشتهداردی، ۱۳۸۷، ص ۳۴۲) او به گسترش فرهنگ و هنر نیز توجه خاصی داشت و حروف عربی و سریانی را ابداع کرد. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۰؛ حجازی، ۱۳۵۲، ص ۱۰۰)

در زمان حضرت سلیمان علیه السلام پیشرفت‌های زیادی در هنر معماری و حجاری پدید آمد. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۸؛ حجازی، ۱۳۵۲، ص ۱۰۰) همچنین توسعه امور بازرگانی و کشتیرانی و

توسعه شهرها برای او اهمیت خاصی داشت (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹؛ حجازی، ۱۳۵۲، ص ۹۵). بنابراین، می‌توان گفت تمدنی که حضرت سلیمان علیه السلام پایه‌گذار آن بود تمدنی شکوفا و کمال‌آفرین بود. او مانند پدرش از دسترنج خود امرار معاش کرده و به بافتن حصیر و گلیم می‌پرداخت (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۳۹؛ حجازی، ۱۳۵۲، ص ۹۸). عیسی علیه السلام یکی از پیامبران اولوالعزمی است که در سی سالگی به رسالت مبعوث شد. مادرش مریم فرزند عمران یکی از بزرگان پارسای بنی اسرائیل از نسل حضرت سلیمان بود (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۷، ص ۴۲۳). عیسی علیه السلام بیشتر دوران حیات خود را در سرزمین بیت المقدس گذراند. هر چند برای تبلیغ و ارشاد مردم خود با حواریونش به دیگر نقاط نیز می‌رفتند (محمدی اشتهاردی، ۱۳۸۷، ص ۴۳۲ و ۴۳۸). او در دعوت خود مردم را به رسالت خود دعوت کرده و تلاش می‌کرد که قوم یهود را از انحرافات که در میان آنان ایجاد شده بود رهایی بخشد. فخرالدین حجازی در کتاب خود معتقد است حضرت عیسی علیه السلام تمدن معاصر خود را بر پایه چند اصل استوار کرده بود: (حجازی، ۱۳۵۲، ص ۱۱۰-۱۰۲)

(الف) مبارزه با شرک و الوهیت انبیاء؛

(ب) مبارزه با روحانیون جیره‌خوار ریاکار و فاسدی که با ایمان و اعتقادات مردم بازی می‌کردند؛

(ج) مبارزه با استبداد و استعمار حکام رومی؛

(د) مبارزه با تجمل‌پرستی و ثروت‌اندوزی.

۳-۴. اردن

اردن یکی از نخستین خاستگاه‌ها و زیستگاه‌های بشری در روی زمین است. به این سرزمین به زبان عبری (بیردن) گفته می‌شود که نام نهری است. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷-۱۵۳) در این سرزمین پیامبرانی مانند نوح، لوط، هود، شعیب، موسی، هارون، ایوب، یوشع، داود و سلیمان زندگی می‌کردند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۵۷-۱۵۳). برخی از آثار تمدنی دوران این پیامبران تا عصر کنونی نیز بر جای مانده است. حضرت لوط علیه السلام بر مردم ناحیه سدوم مبعوث شد و آن قوم را از بت‌پرستی بر حذر داشت و به یگانه‌پرستی دعوت کرد. قرآن کریم این شهرها را «مؤتفکات» نامیده است. مردم این شهرها به انواع آداب ناپسند اخلاقی مبتلا بودند که مهمترین این رذایل، گناه کبیره هم‌جنس‌بازی بود. حضرت لوط علیه السلام این عمل ننگین را فاحشه‌نامید و عاملان آن را فاسق، مجرم، مسرف و ظالم دانست. جناب لوط علیه السلام با مبارزه با این عمل زشت، خدمتی بزرگ به تمدن انسانی کرد (حجازی، ۱۳۵۲، ص ۷۲-۷۱؛ بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص

مدین شهر شعیب علیه السلام محل تلاقی کاروان های تجاری بود. اهالی این سرزمین به تجارت با مصر، لبنان، فلسطین و سوریه مشغول بودند. (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۷) اهل مدین به خدای یگانه ایمان نداشتند. علاوه بر آن، این مردم در معامله بدترین مردمان بودند. هرگاه چیزی را می فروختند آن را با پیمان و ترازوی ناقص به طرف دیگر معامله تحویل می دادند. شعیب نبی علیه السلام برای استواری بنیان دین و تمدن مردم خویش ندای توحید و یکتاپرستی سر داد. او برای اصلاح عقیده و اخلاق مردم تلاش فراوان کرد و همچنین به مبارزه با کم فروشی و خیانت در اقتصاد مردم که موجب سلب اعتماد عمومی و اخلال در نظم اجتماعی و اقتصادی می شود، پرداخت. چنین خیانتی اساس هر تمدنی را از بین می برد (حجازی، ۱۳۵۲، ۸۲-۸۱؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ۲۰۲/۹ و ۳۳۵/۱۵-۳۳۳).

غار اصحاب کهف هم در میان دو روستای رفیم و ابوعلند واقع در هفت کیلومتری امان پایتخت اردن است. (حجازی، ۱۳۵۲، ص ۱۸۱-۱۷۶) حفاری های باستان شناسان وجود مکانی را به نام «ارم» در منطقه جنوب اردن ثابت کرده است (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴).

۳-۵. حجاز

حجاز سرزمینی است که حضرت ابراهیم علیه السلام با حضرت اسماعیل علیه السلام و حضرت هاجر علیه السلام به آن مکان هجرت کردند. هاجر و اسماعیل در حجاز ساکن شدند که این خود به آبادانی سرزمین مکه منجر شد. سال ها بعد ابراهیم علیه السلام مأمور ساختن خانه خدا در آن محل شد و بدین سان کعبه پایگاه یکتاپرستی شد. در حجاز، مکه و مدینه نقطه اتصال تجارت هند و مصر و شام بود. بازارهای مکه که بعضی موسمی و بعضی همیشگی بر پا می شد، انبارهای پراز کالا، رفت و آمد مسافران، خریداران و فروشندگان به دین شهرها جنب و جوش و رونق می داد. بازار (عکاظ) محل تجمع شاعران بود که نشانگر رفاه زندگی آنان است. مردم جزیره العرب و حجاز بت ها را با همه مظاهر آن می پرستیدند. (مولوی نیا، ۱۳۸۸، ص ۴۱۹ و ۴۲۰)

سال ها پس از نسل حضرت اسماعیل علیه السلام پیامبر اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله در این سرزمین به دنیا آمد (مولوی نیا، ۱۳۸۸، ص ۳۶۵) و حجاز مهد یکتاپرستی و تمدن عظیم اسلام شد. بیشتر مردم معاصر حضرت محمد صلی الله علیه و آله بت پرست بودند. حضرت محمد صلی الله علیه و آله به انتقاد از اعتقادات آنها پرداخت (مولوی نیا، ۱۳۸۸، ص ۴۳۳). قریش که او را مخل عادت و نظام اجتماعی خود می دانستند به شدت به مقابله با آن حضرت و پیروانش برخاستند و فشارهای مشرکان باعث هجرت آن حضرت به

مدینه شد (مولوی نیا، ۱۳۸۸، ص ۴۵۹). هجرت او به مدینه منجر به تأسیس دولتی الهی و اسلامی بر پایه توحید، برادری (ر.ک: حجرات: ۱۰)، مساوات، تعاون، همکاری، همبستگی و عدالت شد. بعد از تشکیل و ثبات این دولت ده سال بعد، پیامبر ﷺ شهر مکه را بدون هیچ مقاومتی فتح کرد و اهالی آن را با آنکه در سال های اولیه دعوت حضرت محمد ﷺ به شدت مورد ظلم و ستم و آزار قرار گرفته بود، مورد عفو و بخشش قرار دادند (مولوی نیا، ۱۳۸۸، ص ۵۳۸).

کتاب آسمانی پیامبر ﷺ قرآن کریم که حاوی پیام ها و دستورات خداوند است، طی ۲۳ سال از آغاز بعثت تا هنگام رحلت آن حضرت نازل شد (تدریجی یا دفعی). این کتاب حاوی شریعت و دستورات الهی برای اداره کلیه امور زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، مادی و معنوی زندگی انسان است. (گوستا و لوبون، ۱۳۸۰، ص ۱۲۷) مهمترین اساس شریعت الهی حضرت محمد ﷺ که همان پایه های تشکیل دهنده تمدن اوست، عبارتند از:

الف) ایمان به خدای یگانه؛

ب) شرافت و کرامت انسان؛

ج) مبارزه با جهل و خرافات و بت پرستی؛

د) خردگرایی؛

ه) توجه به علم و دانش؛

و) توجه به کار و کوشش؛

ز) توجه به اخلاق.

۳-۶. احقاف

سرزمین احقاف در جنوب عربستان واقع شده و ریگستانی میان یمن و عمان تا حضرموت و شحر است. (بی آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۴) از تمدن های عاد و ثمود و سایر طوایفی که در یمن و حضرموت زندگی می کردند در حال حاضر فقط نامی در لابلای تاریخ باقی مانده که نمایانگر تمدنی عالی، ریشه دار و ثابت برای آنهاست (زیدان، ۱۳۸۶).

از تمدن هایی که در قرآن کریم از آنها یاد شده تمدن قوم عاد است. آنان دارای تمدنی پیشرفته بودند، شهرهایی آباد و زمین هایی خرم، سرسبز و کاخ های عظیم و باغ های پرطراوت داشتند. حضرت هود ﷺ پیامبری بود که برای هدایت آنان به سوی سرزمین احقاف فرستاده شد. هود نبی ﷺ در راه مبارزه با گمراهی، اشرافیت، تجمل گرایی، استکبار و مخالفت با تبعیض های شدید طبقاتی تلاش فراوان کرد. او با دعوت آنان به توبه و بازگشت به سوی خداوند در صدد بود

تمدنی آباد و سرسبز و سالم را بر اساس دین الهی پایه‌گذاری کند. (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۱۶۲)

۳-۷. حجرو مدائن

این شهرها میان شام و مدینه قرار داشتند. (رضایی، ۱۳۷۹، ص ۱۵۰) مردم این مناطق تمدن پیشرفته داشته و ساختمان‌های عظیم که از بریدن قطعات کوه برای خود ایجاد کرده بودند. آنان زندگی مرفهی داشتند، اما بت می‌پرستیدند. خداوند حضرت صالح علیه السلام را برای هدایت قوم ثمود فرستاد. حضرت صالح علیه السلام آنان را به پرستش توحید و نفی هر نوع شرک و استغفار و بازگشت به سوی خداوند دعوت کرد و به آنان گوشزد کرد که خداوند وسایل و امکانات عمران و آبادانی زمین را در اختیار شما قرار داده تا آن را آباد کنید - آیه ۶۱ سوره هود به این موضوع اشاره دارد - اما آنان پیامبرشان را تکذیب کرده و در نتیجه دچار عذاب الهی شدند. آثار مدائن صالح علیه السلام پایتخت قوم ثمود در شمال حجاز است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۲۵۳-۲۵۰).

۳-۸. سبأ

سبأ نام قوم و سرزمینی در جنوب غربی عربستان بوده که در دو هزاره اول قبل از میلاد نقش مهمی در تاریخ عربستان داشته است. در تورات این نام (shaba) «شبا» ذکر شده است. (رضایی، ۱۳۷۹، ص ۵۵) قوم سبأ، نخستین قوم در عربستان جنوبی بودند که به آستانه تمدن گام نهاده‌اند. این تمدن، مشهورترین و نیرومندترین تمدن و به لحاظ پایداری، بادوام‌ترین تمدن بوده است. در دو سوره از قرآن از آنان یاد شده است و سوره‌ای به نام آنان نازل شده است (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۶): «قطعاً برای [مردم] سبأ در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود: دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم]: از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده» (سبأ: ۱۵).

این قوم در سرزمین یمن فعلی زندگی می‌کرده‌اند. آثار باستانی به دست آمده نشان دهنده تمدن عظیم قوم سبأ در روزگاران گذشته است. (رضایی، ۱۳۷۹، ص ۵۵) مفسرین نام ملکه سبأ را بلقیس می‌دانند که دختری یکی از پادشاهان یمن بوده است. هر چند نام او در قرآن نیامده است. (طباره، ۱۳۸۸، ص ۴۳۷؛ ابن عاشور، بی‌تا، ۳۷/۲۲) قوم سبأ سد بزرگ و تاریخی خود به نام مآرب یا سد عرم را نزدیک یمن میان تنگه دو کوه موسوم به بلق ساختند تا سیلاب‌های کوهستان را در پشت سدهای بزرگ و محکم نگهداری کنند و بدین وسیله از خسارت سیل و خشکسالی ناشی از کمبود آب رهایی یابند (ابن کثیر دمشقی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۶/۳). در نتیجه فاصله بین تنگه کوهستان بلق و شهر مآرب را به بوستان‌های سرسبز و خرم تبدیل کردند (بی‌آزار شیرازی، ۱۳۸۶، ص ۳۳۲).

این سد بر اساس مشاهدات خاورشناسان معروف، مشتمل بر دقایق فنی مهم و از شاهکارهای مهندسی است.

۴. علل فروپاشی تمدن‌ها

تمدن‌های انسانی اگر در مسیر پیروی از تعالیم الهی باشند تمدن‌هایی پویا، شکوفا، کمال‌آفرین و سعادت‌زا خواهند بود، اما همین تمدن‌ها اگر به آفاتی دچار شوند در مسیر هلاکت و گمراهی خواهند بود. قرآن به این آفات در آیات گوناگون اشاره کرده است.

۴-۱. تکذیب آیات الهی و اصلاح‌ناپذیری

از دیدگاه قرآن اگر تمدنی پیامبران خود را تکذیب کرده و در مقابل فرمان حق تسلیم نشود و به تکذیب آیات الهی بپردازد، سرانجامی جز نابودی نخواهد داشت: «كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْثُوءٌ وَ اِذْجِرْ؛ پیش از آنان، قوم نوح [نیز] به تکذیب پرداختند و بنده ما را دروغزن خواندند و گفتند: دیوانه‌ای است و [بسی] آزار کشید» (قمر: ۹).

جامعه عاد و ثمود نیز پیامبرشان را تکذیب و به همین دلیل سرانجام نابود شدند آیات ۱۸ تا ۳۳ سوره قمر نیز این حقیقت را بیان کرده است. قوم لوط نیز به همین دلیل دچار نیستی و نابودی شدند که آیات ۳۳-۳۹ قمر به این واقعه اشاره دارد.

۴-۲. حق‌پوشی و کفرورزی

کفرپیشگی، حق‌ناپذیری و عدم تلاش در راه خدا یکی از علل نابودی و فروپاشی تمدن‌ها در آیات قرآن ذکر شده است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر خدا را یاری کنید یاریتان می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد. و کسانی که کفرورزیدند، نگویند بر آنان باد؛ و [خدا] اعمالشان را بر باد داد. این بدان سبب است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است، خوش نداشتند و [خدا نیز] کارهایشان را باطل کرد. مگر در زمین نگشته‌اند، تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند به کجا انجامیده است؟ خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر [همین] کیفرها در پیش [است]. (محمد: ۷-۱۰)

۴-۳. غرور و خودبینی

یکی از علل سقوط جوامع و تمدن‌ها خودبرتربینی و اسارت در چنگال غرور است. بهترین مثال در این زمینه واقعه عذاب اصحاب مدین است که نسبت به حضرت شعیب پیامبر معاصر خود مغرور شدند و دعوت او را نپذیرفتند و سرانجام به این دلیل به عذابی سخت گرفتار شدند. آیات ۴۰-

۳۶ سوره عنکبوت این حقیقت را بازگو کرده است. آیات ۳۸ و ۳۹ سوره قصص نیز اشاره به غرور و خودبینی فرعونیان و عذاب دردناک آنان دارد. آیات ۱۴ و ۱۵ سوره فصلت نیز به غرور و خودخواهی قوم عاد اشاره می‌کند که سرانجامی دردناک برای آنان داشت.

۴-۴. غیرخدا را به عنوان معبود برگزیدن

در برخی از آیات قرآن نیز به این حقیقت اشاره شده که هر کس به غیر خدا تمسک جوید و از او کمک بخواهد سرانجامی جز تباهی نخواهد داشت. آیات ۴۱ سوره عنکبوت و ۲۵۷ سوره بقره به این نکته اشاره دارد:

داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده‌اند، همچون داستان عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای برای خویش ساخته و در حقیقت اگر می‌دانستند، سست‌ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است. (عنکبوت: ۴۱)

خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد. و [الی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیانگران] طاغوتند که آنان را از روشنایی به سوی تاریکی‌ها به درمی‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند. (بقره: ۲۵۷)

۴-۵. سرپیچی از فرامین حق

آیات متعدد قرآن کریم یکی دیگر از دلایل نابودی جوامع و تمدن را مخالفت و سرپیچی از برنامه و دستورات سعادت‌آفرین خداوند می‌داند. آیات ۴۶ - ۳۱ سوره ذاریات بیانگر این حقیقت است.

۵. نتیجه‌گیری

مورخان تصریح کرده‌اند که مشرق زمین گاهواره تمدن است و منقطه هلال خضیب که از رود نیل در مصر شروع و تا مسیر دجله و فرات و اروندرود ادامه پیدا می‌کند، زادگاه تمدن‌های بزرگ جهان است. این مسئله از آثار باستانی به دست آمده در این مناطق پیداست. با بررسی مهد تمدن‌هایی که محل ظهور و مبعوث شدن پیامبران الهی بوده و در قرآن کریم هم از آنها سخن به میان آمده روشن می‌شود که رهنمودهای انبیاء الهی پا به پای عقل و اندیشه انسان همواره هدایتگر بشر در سخت‌ترین شرایط بوده است.

تمدن‌های شکل گرفته توسط انبیاء الهی یا معاصر با آنها از جمله تمدن‌هایی است که موجبات شکوفایی، پویایی و رونق جامعه انسانی را فراهم کرده و آنان را از جهل و خرافات و بی‌عدالتی و... به سوی نور و روشنایی و حیات طیبه و جاودانه الهی که سعادت‌مندی دو سرا را به دنبال دارد، سوق داده است.

از جمله این تمدن‌ها می‌توان به تمدن‌های ایجاد شده توسط ابراهیم، یوسف، داود، سلیمان و عیسی علیهم‌السلام و سرانجام تمدن شکوفا، جاودانه و پویای اسلامی که توسط خاتم النبیین صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم ایجاد شده اشاره کرد و نتیجه گرفت تا زمانی که این تمدن‌ها در مسیر پیروی از تعالیم الهی باشند تمدن‌هایی پویا، شکوفا، کمال‌آفرین و سعادت‌زا خواهند بود، اما همین تمدن‌ها اگر به آفاتی چون غرور، حق‌پوشی، تکذیب آیات الهی و کفران نعمات الهی دچار شوند در مسیر هلاکت و گمراهی قرار خواهند گرفت.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی تا). *التحریر و التنبؤیر*. بی جا: بی نا.
۲. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹). *تفسیر القرآن العظیم*. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۳. اسدآبادی، سید جمال الدین (۱۳۸۹). *نیچریه یا مادی‌گری*. قم: دفتر انتشارات حوزه علمیه.
۴. برجی، یعقوب علی (۱۳۸۷). *اخلاق پیامبران در قرآن*. شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۵. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم (۱۳۸۶). *باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۳). *دین‌شناسی*. قم: انتشارات اسراء.
۷. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴). *انتظار بشر از دین*. قم: انتشارات اسراء.
۸. حجازی، فخرالدین (۱۳۵۲). *نقش پیامبران در تمدن انسان*. بی جا: انتشارات بعثت.
۹. خیری، حسن (۱۳۹۱). *رویکرد فرآیندی اسلام در تمدن‌سازی*. مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره شیخ طوسی. قم: انتشارات مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم.
۱۰. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۳). *لغت‌نامه*. تهران: سیروس.
۱۱. دورانت، ویل (۱۳۹۰). *مشرق‌زمین گاهواره تمدن*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. رضایی، زهرا (۱۳۷۹). *اماکن جغرافیایی در قرآن*. قم: انتشارات پارسیان.
۱۳. رسولی محلاتی، سیدهاشم (۱۳۸۷). *تاریخ انبیاء*. قم: انتشارات بوستان کتاب.
۱۴. زیدان، جرجی (۱۳۸۶). *تاریخ تمدن اسلام*. تهران: انتشارات امیرکبیر.
۱۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۶. طباره، عقیف عبدالفتاح (۱۳۸۸). *داستان پیامبران در قرآن*. تهران: نشر احسان.
۱۷. عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۵). *مبانی اندیشه سیاسی اسلام*. تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۸. قرشی، سید علی‌اکبر (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۹. کاشفی، محمدرضا (۱۳۸۷). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. قم: انتشارات جامعه المصطفی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم العالمیه.
۲۰. گوستاو لوبون، (۱۳۸۰). *تاریخ تمدن اسلام و عرب*. تهران: انتشارات افراسیاب.
۲۱. لوکاس، هنری (۱۳۸۷). *تاریخ تمدن*. بی جا: انتشارات سخن.
۲۲. محمدی اشتهاردی، محمد (۱۳۸۷). *قصه‌های قرآن به قلم روان*. بی جا: مؤسسه انتشارات نبوی.
۲۳. مراغی، احمدبن مصطفی (بی تا). *تفسیر المرآعی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۱). *پیام قرآن*. بی جا: انتشارات مطبوعاتی هدف.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۰). *تفسیر نمونه*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. مولوی نیا، محمدجواد (۱۳۸۸). *تاریخ انبیا از خلقت آدم تا رحلت خاتم*. بی جا: مؤسسه انتشارات امام عصر.
۲۷. ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۷). *پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران*. تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.